

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش سادات علوی در توسعه صلح و همزیستی مسالمت آمیز در آسیای جنوب شرقی

ارائه دهنده:

سید محمد یوسف مهدی

(آئونگ کو او)

تبعه میانمار

فهرست

چکیده:	۳
کلید واژه:	۳
مقدمه	۴
۱. معرفی کشور میانمار و جغرافیایی آن	۴
۲. تاریخچه ورود مسلمان و سادات به میانمار	۵
تعلیمات اسلامی به صلح و همزیستی مسالمت آمیزی	۱۱
همزیستی مسالمت آمیز مسلمانان و اثرگذاری آنان	۱۲
۱. در حوزه اجتماعی	۱۲
۲. در حوزه سیاسی	۱۳
۳. در حوزه زبان و ادبیات	۱۴
۴. در حوزه هنر	۱۶
۵. در حوزه تجارت	۱۷
چالش ها و فرصت ها	۱۷
نتیجه	۱۸
فهرست منابع	۱۹

چکیده:

اول معرفی کشور میانمار و جغرافیایی آن را پرداخته بعد تاریخچه ورود مسلمانان و سادات علوی به کشور میانمار را بیان نموده است. همچنین راه هایی که برای زندگی صلح و مسالمت آمیز در تعلیمات اسلامی آمده را ارائه نمودیم. بعد از آن همزیستی مسالمت آمیزی مسلمانان در حوزه های اجتماعی، سیاسی، زبان و ادبیات، هنر، تجارت را پرداخته است. و مسلمانان چرا زندگی صلح و مسالمت آمیزی داشتند، و چطور زندگی مشترکی با اهالی میانماری داشتند، چه آثار هایی را جاه گذاشتند و چه نقش هایی داشتند را بررسی کرده است. چالش ها و فرصت ها را هم مطرح نموده و نتیجه گیری کلی داده است.

کلید واژه:

مسلمان، میانمار، شیعه، تجارت، مسجد، فرهنگ، فارس، عرب، هند، مسالمت، پادشاه.

۱. معرفی کشور میانمار و جغرافیای آن

جمهوری اتحادیه میانمار در جنوب شرقی آسیا واقع شده است. در شمال کشور منطقه خود گردان تبت، در شرق چین، لائوس و تایلند، در جنوب دریای آندامان و خلیج بنگال، در غرب بنگلادش، هند و خلیج بنگال مرز است. منطقه ساحلی قسمت جنوبی میانمار و منطقه خشکی قسمت شمالی میانمار است. مساحت کل کشور (۶۷۶،۵۷۸) کیلومتر مربع (۲۶۱،۲۲۸ مایل مربع) است.

میانمار از هفت ایالت و هفت استان تشکیل شده است. البته شهر ناپیدا را بر اساس قانون اساسی کشور به عنوان منطقه مرکزحکومتی قرارداد داده اند که مستقیماً تحت فرمان رئیس جمهور وقت است. قوم برمه عمدتاً در مناطق استان ها ساکن هستند، ولی دیگر گروه های قومی در ایالت ها زندگی می کنند. استان ها و ایالت ها را به بخش ها و دهکده ها تقسیم می شود. اما شهرهای مهم و بزرگ به بخش و شهرها تقسیم می شود.

ایاروادی (Ayeyarwady)، باگو (Bago)، ماگوی (Magwe)، ماندالای (Mandalay)، ساگاینگ (Sagaing)، تانین تایی (Tanintharyi) و یانگون (Yangon) استان های کشور هستند. کچین (Kachin)، کایا (Kayah)، کایین (Kayin)، چن (Chin)، مون (Mon)، راکخین (Rakhaing) و شان (Shan) ایالت های کشور هستند. شهر ناپیدا (Naypyidaw) منطقه مرکز حکومتی است.

جمعیت جمهوری اتحادیه میانمار طبق سرشماری سال ۲۰۱۴ بیش از ۵۱ میلیون نفر است. گروه های قومی اصلی برما کچین، کایا، کارن، چن، مون، راکخین و شان هستند. همه این گروه های قومی را میانمار می نامند. بیش از ۸۰ درصد مردم قومی میانمار، بوداییان تراوادا هستند. مسیحیت، مسلمان، هندو و دیگر اجنه برست (Nat)^۱ نیز وجود دارد.^۲ براساس سرشماری سال ۲۰۱۴ بودایی ۸۷.۹٪، مسیحی ۶.۲٪، مسلمان ۴.۳٪، هندو ۰.۵٪، اجنه پرست ۰.۸٪، دیگر ۰.۲٪، بی دین ۰.۱٪ می باشد.

^۱ Brac de la Perriere, Benedicte. "The Spirit-possession Cult in the Burmese Religion"

^۲ <https://myanmar.gov.mm/people-society>

۲. تاریخچه ورود مسلمانان و سادات به میانمار

اسلام بعد از آنکه در خاورمیانه طلوع کرد، به زودی در جهان پخش شد. از همان اواسط قرن ۸ میلادی، در طرف های جنوبی چین و مناطق سواحلی آن، تعداد مسلمانان زیاد شده است. این آمدن آنها، تنها بخاطر مسئله اقتصادی نیست. بخاطر درگیری هایی که در آن زمان میان شیعه و سنی وجود داشته است، شیعیان به مناطق شرق هجرت کردند، بعضی ها به چین آمدند. با ورود آنها به چین، در چین فارس ها تقویت شدند. بعضی از مسلمانان از چین مجدداً وارد میانمار شدند. با ورود آنها، فرهنگ خودشان را نیز آوردند. زندگی مسالمت انگیزی داشتند، این را تاریخ گواه می دهد.

از همان زمان، مسلمانان در حوزه تجارت غرب و آسیا احاطه قابل توجهی داشتند. بخاطر این کارهای تجارتی نیز مسلمانان عرب و فارس به مناطق شرقی رفت و آمد زیاد داشته اند.

اما مسلمانانی که اولین بار از طریق دریا وارد میانمار شدند، در قرن ۹ میلادی است. آنها از طریق راه های دریایی وارد مناطق جنوبی و مناطق ساحلی میانمار، ایالت راخین شدند.^۳ اینها از طریق خلیج بنگال، برای تجارت آمدند. تا آن زمان میانماری ها تجارت از طریق دریا را شروع نکرده اند. بعد از آمدن تاجرات عرب و فارس ها، میانماری ها یواش یواش شروع کردند. ایالت راخین با مناطق سواحلی خلیج بنگال ۵۶۳ کیلومتر هم مرز دارند. علت اینکه در ایالت راخین مسلمان زیاد است، این منطقه با مناطق دیگر میانمار به دلیل وجود کوه های بلند و استوار فاصله شده است. بیشتر مسلمانان نیز از خلیج بنگال وارد شده، در آن سواحل سکونت برگزیدند.

همچنین خروج درخت ساج، خارجی ها را برای سفر و تجارت در میانمار جذب می کند. در قرن ۱۶ میلادی، در یکی از شهر های سواحلی به نام "پاتین" محل صادراتی برای چوپ ساج است. کشتی ها ترکیه می آمدند، بار ها می آوردند، و بارهای خود را در این شهر تخلیه می کردند، بعد چوپ ساج را برای ساختن کشتی

۱-|| မြန်မာ့မြေမှတစ်လင်္ငံမှ ၁၀-၁၁

می بردند. در خود این شهر کار کشتی سازی بسیار رونق داشت. مسلمانان برای پادشاه "سانی مین" دو کشتی به نام "الهی" و "سلامت" ساختند.^۴

این تاجران، تعدادی از آنها بخاطر خراب شدن کشتی و بعضی بعلت نامساعد بودن وضعیت هوا، برای برگشت تاخیر کردند و بعضی اصلاً برنگشتند، با زن های بودایی اینجا ازدواج کردند، اینجا ماندند. پادشاهان میانمار، برای خارجی ها فشار هایی نداشتند. لذا برای ساختن مساجد به مسلمانان، ساختن معابد برای مسیحیان اجازه می دادند. لذا آن موقع مساجد متعددی ساختند که به شرح ذیل است.

ردیف	نام مناطق	مساجد
۱	استان ایروادی	۱۵۲
۲	استان باگو	۵۶
۳	استان ماگوی	۲۹
۴	استان ماندالای	۲۰۰
۵	استان ساگاینگ	۹۴
۶	استان تانین تایی	۷۶
۷	استان یانگون	۱۷۱
۸	ایالت کاچن	۲۰
۹	ایالت کایا	۲

^۴ J Radhakumud Mookerji, Indian Shipping (London: Longmans, Green, ۱۹۱۲) p-۲۰۲

۴۸	ایالت کابین	۱۰
۱	ایالت چن	۱۱
۹۴	ایالت مون	۱۲
۱۲۳۸	ایالت رابخین	۱۳
۸۵	ایالت شان	۱۴
۲۲۶۶	جمع کل	

در کل می توان گفت که پیدایش و نشر مسلمان در کشور میانمار، بخاطر مبلغین مخصوص نیستند. بلکه بخاطر تاجران با اخلاق و متدین بودند.

در گورستان های قدیم، قبر اینها را می توان دید. همچنین گورستانی که در شهر یانگوون هست، و متعلق به شیعیان است. در آن گورستان قبر افراد عرب، فارس و هند و... هنوز موجود است. البته اینها قبر افرادی هستند که در زمان استعمار انگلیس به میانمار آمده بودند. همچنین قبرهای قدیمی تر را هم در جاه های دیگر می توان مشاهده کرد.

این افراد متددی که از قرن ۹ میلادی شروع به ورود میانمار شدند، بعضی ها اهل تسنن و بعضی ها اهل تشیع هستند. بعضی از آنها سادات هستند. در مناطق سواحلی رابخین و بخش جنوبی میانمار، قبرهای آنها بعنوان مزارهای زیارتی هنوز بر قرار می باشد. در این افرادی که آمدند، بعضی بخاطر اخلاق خوب آنها، و چهره نورانی آنها، و مکاشفات های آنها در نزد اهالی منطقه جایگاه ویژه ای پیدا کردند. وقتی که اینها از دنیا رفتند، مزارهای شان بعنوان زیارتگاه ها هنوز موجود است. یعنی اینها با اجتماع آنها، اینقدر پیوند خوردند، و با اخلاق خودشان در دل های اهالی منطقه توانستند جاه بگیرند.

در زمان استعمار انگلیس هم هندی ها و ایرانی ها وارد میانمار شدند، لذا در میانمار هنوز شیعیانی از تبار زیاد هستند. شیعیان ایرانی و هندی بیشتر به شهرهای امتدادی سواحل میانمار از جمله شهر مالمین و راخین و همچنین به شهر رانگون و ماندلای آمدند و سکونت گزیدند. اما تعدادی از ایرانی ها و هندی ها پس از استقلال میانمار به کشور های دیگری مهاجرت کردند و اکنون تعداد کمی باقی مانده اند. براساس سرشماری سال ۱۹۸۳ میلادی تعداد شیعیان ۱۷۶۳۹ نفر گزارش شده است.

همچنین از نژاد های مختلف وارد میانمار شدند، نژادهای مهم مسلمانان میانماری به شرح ذیل می باشد:

نژاد پاتی

به مسلمانانی که در زمان پادشاهان راخین زندگی می کردند ، اطلاق می شود. آنان به پادشاهان خدمت می کردند. در میان آنان افرادی که به درجه جنرال هم رسیده بودند، وجود داشتند. در مکانهایی که از طرف پادشاهان به آنان داده شد ، زندگی می کنند. اکثر آنان روستایی نشین هستند و در مزرعه کار می کنند. برخی نیز تاجر هستند. اجداد پدری پتی از نژاد مسلمانان ایرانی ، عربی و هندی هستند. آنان به عنوان تاجر ، سربازان حرفه ای ، اسیران راخین شدند. آنان با فرهنگ و پوشش لباس فرهنگی میانمار بیشتر مانوس هستند. آنان با اقوام دیگر میانماری سازگاری دارند.

نژاد کمان

قوم کمان یک گروه قومی است که از کلمه فارسی، نام ارتش سلطنتی کماندار سرچشمه می گیرد که از ارتش سلطنتی راخین برخاسته است. آنها مسلمان تبعه عرب ، ایرانی و افغانی هستند و از زبان و نام راخین استفاده می کنند. این جمعیت حدود ۳۰۰۰ نفر هستند. آنان در یک دهکده جداگانه ساکن هستند و از اختلاط نژادی کمتری برخوردار هستند.

در این گروه قومی در ایالت راخین مشکلات مذهبی ، قومی و ناهنجاری های اجتماعی با اقوام دیگری در تاریخ وجود نداشته است. آنان وفادار به ایالت راخین و مردم راخین ، در صلح و هماهنگی زندگی کرده اند. در ایالت راخین آنان به عنوان یک گروه قومی شناخته می شوند. قوم کمان یکی از ۱۳۵ گروه قومی است که

رسماً توسط دولت میانمار به رسمیت شناخته شده است.^۹ در میان دیگر اقوام مسلمانان تنها قوم مسلمانان هستند که جزء قوم میانمار به رسمیت شناخته شده هستند.

نژاد هندی

این گروه پس از استعمار انگلیس از سال ۱۸۸۶ میلادی تا سال ۱۹۴۳ میلادی که ۵۷ سال به طول انجامید، وارد میانمار شدند. انگلیسی ها میانمار را به عنوان یکی از ایالت هند محسوب می کردند. بنابراین این گروه نژادی مثل مهاجران داخلی هستند که از شهری به شهر دیگری برای زندگی وارد شدند. پس از استقلال کشور نیز بسیاری از هندی ها به هند بازگشتند و برخی نیز در میانمار ماندگار شدند. بنابراین این گروه از نژادی تاکنون با فرهنگ هندی سازگاری بیشتری دارند. با زبان اردو صحبت می کنند. اکثراً در رانگون ساکن هستند. از لحاظ تعداد و ثروت این نژاد بیش از مسلمانان بومی میانمار هستند. این نژاد هندی ها در شهر با لباس های فرهنگی هندی خود را می پوشند. اکثر مدرسه های دینی تاسیس این گروه نژادی می باشد. بنابراین در این مدرسه های دینی تاثیر فرهنگ هندی بیشتر دیده می شود. همچنین سواد دینی گروه نژادی هندی نیز نسبت به مسلمانان بومی میانمار بیشتر است. کشور هند دارای تنوع نژادی و قومی بسیاری هست. بنابراین مسلمانان هندی تبار میانمار نیز خود را به یک قوم و نژاد خاصی نسبت می دهند. برخی هندی ها سورتی ، مهمن ، چولیا و بنگالی هستند.

نژاد پن ته

کلمه "پن ته" به طور گسترده در میانمار برای اشاره به مسلمانان نژاد چینی استفاده می شود. این گروه قومی با پادشاهان و کشور در صلح و آرامش زندگی کرده اند. با این حال ، هیچ مدرک قطعی در مورد ریشه کلمه "پن ته" پیدا نشده است. به هر حال قطع یقین است که مسلمانان پن ته کسانی هستند که از کشور چین به میانمار وارد شدند. ولی به مسلمانان چینی که در کشور چین هستند ، پن ته گفته نمی شود.

در سراسر میانمار شهری که مسلمانان پن ته حضور نداشته باشند ، وجود ندارد. ولی اکثراً آنان در شهر های بزرگ مثل رانگون ، ماندلای و لاشو و چنگتونگ^{۱۰} بیشتر حضور دارند. اکثر آنان در آشپزی مهارت دارند.

^۹ မောင်ဆွေ(လယ်ဝေး) ကမန်ချို:နွယ်စုသမိုင်း၊ ၂၀၀၅ခုနှစ်၊ ဒီဇင်ဘာလ(နိုငံ့ဂုဏ်ရည်စာပေတိုက်)ကုန်သည်လမ်း၊ စာပေဗိမာန်၊ ရန်ကုန်မြို့။

^{၁၀} Kengtung - Lashio (شهر لاشو و چنگتونگ واقع در ایالت شان می باشد. این شهرها نزدیکی چین واقع شده است.)

بنابراین آنان رستوران های غذاخوری در شهر ها باز کرده اند و از استقبال خوبی نیز برخوردارند. بنابراین دارای وضع اقتصادی خوبی نیز می باشند.

نژاد بنگالی

شمال راخین با کشور بنگلادش از طریق خشکی به هم متصل هستند. بیشترین جمعیت مسلمانان در میانمار در ایالت راخین واقع شده است. بزرگترین جمعیت روهینگیا در شهر های بوتیدانگ، مانگداو ، کیاک تاو و راته دانگ واقع در شمال ایالت راخین میانمار زندگی می کنند.

نژاد ایرانی

ایرانیان از زمان استعمار میانمار توسط انگلیس وارد میانمار شدند. آنان اکثرا شیعه هستند. تعدادی نیز بهائی و برخی نیز به اهل سنت گرویدند. اکثرا در شهر رانگون و تعداد کمی نیز در ماندلی زندگی می کنند. بیشتر آنان شیرازی هستند. برخی کاشانی ، آبادانی ، اصفهانی ، بهبهانی و مازندرانی هستند. ایرانی ها پس از استقلال کشور میانمار را ترک کردند و اکنون تعداد کمی باقی مانده اند. تعداد آنان حدود ۵۰۰ نفر می باشند.

نژاد پشو

مسلمانان پشو^۷ در جنوبی ترین نقطه میانمار شهر میایک^۸ در استان تانین تایی^۹ زندگی می کنند. این شهر در نزدیکی مرز کشور مالزی قرار گرفته است. بنابراین مسلمانان در این منطقه از مالزی وارد میانمار شدند و سکونت گزیدند. مردم میانمار این افراد را پشو^{۱۰} مسلمان می نامند. اما وجه تسمیه این در تاریخ ثبت نشده است.

Pashu ^۷

Myeik ^۸

Tanintharyi ^۹

Pashu ^{۱۰}

تعلیمات اسلامی به صلح و همزیستی مسالمت آمیزی

در تعلیمات اسلامی برای تأمین همزیستی مسالمت آمیز راه‌های گوناگونی را سفارش نموده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- آزادی عقیده و فکر
- توجه به اصول مشترک
- نفی نژادپرستی
- گفت‌وگوی مسالمت آمیز
- استقبال از پیشنهاد صلح
- پذیرش حقوق اقلیت‌ها
- به رسمیت شناختن انبیا و کتب آسمانی
- صلح بین المللی
- مبارزه با توهّمات برتری جویانه ادیان دیگر
- تعاون در مسائل بین المللی.

مسلمانانی که به کشور میانمار به دلایل مختلفی آمدند، اینجا را برای سکونت برگزیدند، در زندگی آنها رعایت همین تعلیمات را بصورت واضحی می‌توان دید. به این خاطر اینها در کنار بودائی میانمار توانستند زندگی مشترکی داشته‌اند، و در نزد پادشاهان میانمار نظر مثبتی داشته‌اند، بعنوان افراد امین، راستگو و مورد اعتماد برخوردار بودند. در نزد پادشاهان استخدام می‌کردند، و سمت‌های بالایی داشته‌اند.

همزیستی مسالمت آمیز مسلمانان و اثرگذاری آنان

۱. در حوزه اجتماعی

در آن زمان، کشور میانمار بعلت داشتن آزادی، افراد متعددی از خارج برای زندگی در میانمار علاقه مند شدند. اینها در پرستش دین خودشان آزاد هستند، و با زنان بودائی می توانند ازدواج کنند. پادشاهان میانمار آنهایی که در زیردستان هستند، و بودائی هستند، فشار می دادند تا از دین خودشان خروج نکنند. اما برای خارجی ها فشار هایی نداشتند. لذا این ازدواج ها صورت گرفت. اما اگر این افراد به کشور خودشان که بر می گردند، تنها خودشان برگردند و حاکمان شهر اجازه ندادند که زن و بچه هایشان را همراه ببرند.^{۱۱}

با این ازدواج ها نسل ها عرب، فارس و هند در میانمار نشأت گرفتند. بعد در مناطق مهم میانمار پخش شدند و اینها را به نام "پاتی" یا "گلا" می خوانند. لذا تاالآن در شهرهای مهم میانمار، محله هایی به نام "گلا تان"، "گلا زوء"، "گلا پیو" موجودند. در این محله ها، تنها مسلمانان زندگی می کنند. اما مسلمانانی هم داشتند که در محله های بودائی ها زندگی می کنند، و با آنها زندگی مشترکی داشتند.^{۱۲}

مسلمانان زبان مادری خود، لباس خود، فرهنگ خود را رها کردند، اما دین خود را رها نمی کنند. این نوع همزیستی، همراهی کردن به فرهنگ و زبان میانماری باعث شدند اینها چنین زندگی مشترک و مسالمت آمیز را داشته باشند. و در بین مردم با محبوبیت خاصی توانستند زندگی کنند. و در قصرهای پادشاهان استخدام کنند. در زمان پادشاه "سانای مین"، ایشان به مهاجران مسلمان زمین هایی برای اسکان، زراعت اهداء کرد. در شهر "یین داو"، "یا مای تین"، "نیا یناگ"، "نانغو"، "پین تاله"، "میت تهی لا"، "میدو" برای مسلمانان زمین هایی برای معاش و کسب و کار اهداء می دادند.^{۱۳}

اینها نتیجه همزیستی صلح آمیز بوده است که چنین آثاری را داشته اند. حتی در نامگذاری به فرزندان خود هم مسلمانان میانماری دو تا نام اختیار می کردند. یکی نام میانمار است که برای کارهای اداری است و

^{۱۱} Siddiq Khan, စာ ၄၂၃ - ၄၂၃. မြန်မာ့ပြည်ထောင်စု

^{۱۲} မြန်မာ့မြေပွတ်စံလင်မံများ၊ စာ ၂၀၆၄

^{۱۳} ABM, pp ၇၇-၇၃. မြန်မာနိုင်ငံသားအစွဲလားဘာသာဝင်တို့အား ရှေးမြန်မာမင်းများက ချီးမြှင့်ခဲ့ပုံ၊ စာ ၃၇

دیگری نام اسلامی است که در محوطه دینی به همدیگر صدا می زنند. این هم یک نوع همزیستی مسالمت آمیز اینها است.

۲. در حوزه سیاسی

مسلمانان از قرن ۹ میلادی وارد سرزمین میانمار شدند. اکثر آنها برای تجارت آمدند، بعد بخاطر عواملی زندگی در میانمار را برگزیدند. بعدها در کارهای مختلف مشغول شدند که یکی از آنها استخدام در قصر پادشاهان و حکام و سپاه آنها است.

در زمان پادشاه "اُ نوت بت لون مین" (۱۶۱۵-۱۶۲۸) در راخین، "زین مه کلا پیر محمد" با سمت استقبال سفیرهای خارجی و آوردن آنها جلو پادشاه استخدام می کردند.^{۱۴}

در زمان پادشاه "سانای مین" وزیر مسلمانان هست. همچنین پادشان القاب افتخاری می دادند که وزیر مسلمان "نوالا سا" لقب افتخاری "مانی توراء" را داشت.^{۱۵} در زمان این پادشاه، مسلمانان را در سپاه خود اجازه استخدام دادند. به مسلمانان زمین هایی اهداء کردند، بعد به این حد می رسد که پادشاه اسلحه نظامی ها را نزد مسلمانان سپردند و مسلمانان نگهبان اسلحه های پادشاه شدند.^{۱۶}

این هم به وفاداری مسلمانان به پادشاه هان را می رساند، و پادشاهان نیز آنها را بعنوان امین می شناسند و به آنها چنین جایگاهی و سمتی دادند.

در زمان پادشاه "با دون مین"، در سال (۱۷۸۳) شهر "امراء پوراء" را تأسیس کرد. در آن شهر، مسلمانان استخدام می کردند، بعضی از مسلمانان با سمت وزیر و کاتب استخدام نمودند.^{۱۷}

^{۱۴} Thuthodhita Yazawin, Vol.۳, p۱۵۹

^{۱۵} Ibid, p۳۱۶

^{۱۶} ABM, pp ۷۷-۷۳. မြန်မာနိုင်ငံသား... (ညွှန်းစဉ်)၊ စာ ၇၇

^{۱۷} Parabike No.۵.၀.၉. Bernard Library.

به این طریق مسلمانان تا سلسله پادشاهی "کون بانگ" تا در زمان آخرین پادشاه، استخدام می کردند. در زمان پادشاه "مین دون مین" فرمانده لشکر اسب سواران مسلمانی به نام "ولی" بود. همچنین رزمندگان سپاهی به نام "شیولات چا" مسلمانان هستند.^{۱۸}

در زمان پادشاه "با غان" کاتب ایشان "او پین" نام دارد که مسلمان است. ایشان علاوه بر این یک پلی در نزدیک شهر "آمرآ پورآ" ساخت که کاملاً اثر باستانی و هنری است. پل را با چوپ ها ساخته بود، در حالیکه یک میخ در آن استفاده نکرده است. این پل تا هنوز موجود می باشد.

در زمان سلسله پادشاهی "کون بانگ" مسلمانانی که از زمان های قدیم به کشور میانمار وارد شدند، و در میانمار سکونت برگزیدند، خودشان و نسل هایشان در حوزه فرهنگ، زبان و ادبیات، فکر و اندیشه با بقیه بودائیان یکسان شده اند. فقط در حوزه دین و پرستش با یکدیگر فرق می کنند. لذا پادشاهان به این مسلمانان همانطور که به بودائیان حکومت می کنند، با عدل و داد به مسلمانان نیز حکومت می کنند، هیچ تبعیضی را در میان نگذاشته اند.

۳. در حوزه زبان و ادبیات

بعد از اینکه پادشاهان میانماری با خارجی ها در حوزه های مختلف آشنا شدند، اینها برای گفتگو و رد و بدل نامه ها زبان فارسی را استفاده می کردند. اینها در پایتخت و شهرهای مهم برای خودشان مترجمانی نصب کردند و این مترجمان بعنوان هیئت نمایندگی به کشورهای همسایه رفت و آمد داشتند.

در جنگ اول انگلیس و میانمار (۱۸۲۴ - ۱۸۲۶) نامه هایی که رد و بدل می شد به زبان فارسی بود.^{۱۹} در سال (۱۸۷۳) یک هیئتی از ایران بعنوان سفراء آمدند. اینها در خانه ملا اسماعیل سکونت ورزیدند. ملا اسماعیل

^{۱۸} An Account of the Burmese Muslims published on the Centenary of the founding of Mandalay by U Ba U, p۸.

^{۱۹} Desai. A Pageant of Burmese History, ၁၈-၁၅။ မိုးကုတ်လ မိုးခင်း(၈) Journal of his Second Embassy to the Court of Ava in ၁၈၀၂. Ed D.G.E.Hall(London: George Allen and Unwin. ၁၉၀၀)၁၈ ၄၁၇။ ။

آنها را پیش پادشاه وقت "مین دون مین" آوردند. بین پادشاه و هیئت ایرانی صحبت هایی داشتند که ملا اسماعیل ترجمه می کرد.^{۲۰}

گفته شد که مسلمانان برای کارهای تجارتي به میانمار از طریق مسیر دریایی وارد می شدند، و بر بندر های میانمار تسلط قابل توجهی داشتند. تا این حد بود که در اصطلاحات بندری بعضی از کلمات عربی و فارسی و هندی را هنوز می توان مشاهده کرد. مثلاً: شاه بندر، ناخدا و... بدین طریق آثار خود را گذاشته اند.

در تاریخ میانمار افراد زیادی در حوزه نویسندگی و استاد ادبیات بعنوان چهره های ماندگار و شناخته شده است. از میان آنان حاجی مهان^{۲۱} می باشد. او حدود سال ۱۸۳۵ میلادی در شهر ماندلی به دنیا آمده است. نام اسلامی او عبدالرحمان است. پدرش وفادار به پادشاه وقتش بنام باگان مین بود، بنابراین او را به سمت استان داری منصوب کرد. حاجی مهان کتاب بنام میات سو یا الینگار^{۲۲} که شامل ۷۲ مناجات نامه بود را در سن حدود ۳۴ سالگی نوشته است. در این شعر ها او از آشنایی و تسلط کامل از رباعیات عمرخیام و مثنوی مولانای رومی سخن به میان آورده است. این کتاب با موضوعات عرفانی به صورت رباعیات نوشته شده است.

"زیایان کین"^{۲۳} نیز در سال ۱۷۴۳ میلادی در استان ماندلی زندگی می کرد. او وفادار به پادشاه وقت میانمار بود. او حاکم شهر استان ماندلی بود. وی صد شعر نیز سروده بود.^{۲۴}

"تاکین جی یو نو"^{۲۵} نیز یکی از چهره های ماندگار در این زمینه است. نام اسلامی او محمد قاسم است. او متولد سال ۱۷۶۲ میلادی از شهر استان ساگاینگ می باشد. او در علم نجوم، تاریخ و ادبیات میانمار را تحصیل کرده است. او به زبان های میانماری، پالی، سانسکریت، عربی، فارسی، اردو و هندی مسلط بود.

^{۲۰} Ibid. ۱۲۱-۱۳۰.

^{۲۱} Haji Mhaan

^{۲۲} Myat Su Ya Alingar

^{۲۳} Zay Yar Yankin

^{۲۴} نویسندگان بومی مسلمانان، پروفیسور دکتر آنگ زاو، صفحه ۱-۲

^{۲۵} Thakin Gyi U Nu

کتابی هایی را نیز از زبان عربی به میانماری ترجمه کرده است. او از ۲۹ سالگی نویسندگی می کرد. در تاریخ میانمار به عنوان نویسنده یا استاد شهرت دارد.

"تک کا تو ناندا میت" نام اسلامی ایشان محمد علی است. ایشان از نویسندگان مشهور عصر اخیر است. و شیعه مذهب است. در سال (۱۹۲۳) در ایالت راخین، متولد شد و در سال (۱۹۸۶) در یانگوون از دنیا رفت. قبر او در قبرستان شیعه یانگوون است.

۴. در حوزه هنر

مسلمانان بعد از ورود و اسکان در میانمار، در انواع حوزه ها و کارها مشغول می شدند. بعضی در قصر پادشاه ها، خدمت می کردند و وفاداری می کردند. به این خاطر از طرف پادشاه هان به تشویق آنها مکان هایی برای سکونت آنها و برای ساختن مساجد اختصاص می دادند. مسلمانان مساکن و مساجد را که می سازند، بعضی ها را به هنر میانماری می سازند و بعضی را به هنر تابعیت خودشان می ساختند. این ساختمان ها الآن در شهرهای مهم، در جاه های مختلف وجود دارد که بعنوان آثار باستانی ثبت شده است. دولت برای این نوع ساختمان ها اجازه تعمیر می دهد، اما اجازه بازسازی نمی دهد. خود دولت به این شیوه به هنر آنها و آثار باستانی ارزش قائل هستند. این هم دلیل بر اینکه آنها زندگی مسالمت آمیزی داشتند. به این خاطر است که آثار آنها را حفظ می کردند و گرنه ویران می کردند.

یکی از این مساجد ها، مسجد مغل شیعه است که در نیش کوچه ۳۰ واقع است. این مسجد را ایرانیان ساختند. در آن هنر اسلامی، ایرانی، هندی را به کار برده اند. این مسجد الآن بعنوان اثر باستانی ثبت شده و یکی از ریباترین مساجد کشور میانمار است. در جاه جاه های مسجد، آثار هنری نهفته است.

وفاداری مسلمانان به پادشاه ها باعث شد حتی در درون محوطه قصر، اجازه ساخت مسجد دادند. یکی از پادشاه ها "مین تون مین" است که ایشان برای ساختن مسجد، حمایت خوبی کردند. همچنین این پادشاه، برای حاجیان میانماری که برای انجام وظیفه حج به مکه می روند، تا اینکه برای اسکان مشکل نشوند، چند تا مسلمانان

را به مکه فرستاند، و در آنجا جایی را بخرند بعد مهمانسرا بسازند. بعد از ساخت مهمانسرا، در اداره مکه ثبت کردند، بعد این مهمانسرا را برای مسلمانان وقف نمودند. این در سال (۱۸۶۰) میلادی بود. در میان پادشاهان، این پادشاه دوستی و همزیستی میان ادیان را بسیار علاقه مند هستند.^{۲۶}

۵. در حوزه تجارت

مسلمانان بوسیله تجارت به میانمار رسیدند، بعد از آنکه در میانمار مستقر شدند نیز کار خود را ادامه دادند. بعضی ها سرمایه و اموال زیادی داشتند. لذا پادشاهان آنها را لقب ثروتمندی می داد. "او سان پیاو"، "او سین"، "او مانگ جی"، "او یان آئونگ" اینها افرادی هستند که پادشاهان آنها را لقب ثروتمندی داده است.

بعضی از مسلمانان به نیابت از پادشاه، صادرات میانمار را خرید و فروش می کردند. "پاوه مین او شیو تی" ایشان تاجر سنگ های قیمتی میانمار است. سنگ هایی که از شهر "مو گوت" خارج می شود را در کشور هند، در شهر بمبئی و شهر کالکاتا می فروشد. "او نیت" هم همان سمت را داشت. "یوا زا مین او شیو نیونگ"، ایشان خریدار داروهای مایحتاج قصر است. "حاجی او بو میا" ایشان به مکه سفر می کرد تا یاقوت های میانماری را آنجا بفروشد. همه اینها مسلمان بودند، امین و مورد اعتماد پادشاه بودند.

همچنین بعضی از مسلمانان، با سمت خریدار مایحتاج قصر استخدام کردند. خیر مسجد جوون "حاجی بو"، خیر مسجد او بو "او بو"، خیر مسجد شیو بو "سیا مهت" اینها این سمت را داشتند.

چالش ها و فرصت ها

مسلمانانی که قرن ۱۹ به بعد، بعثت استعمار انگلیس وارد کشور شدند، این مسلمانان همانند مسلمانان قدیم که در بخش جنوب و سواحل میانمار ساکن هستند، با فرهنگ میانماری زندگی می کردند. اما مسلمانانی که بعد از این وارد کشور شدند، اینها کشور میانمار را بعنوان وطن خود نمی شناسند. به این خاطر فرهنگ

|| မြန်မာ့မြေမှတစ်လင်္ဂမူပုဒ် ၁၆။^{၂၆}

میانماری را انکار می کنند با. فرهنگ کشور خود یا اجداد خود زندگی می کنند. این مسلمانان به مسلمانانی که با فرهنگ میانماری زندگی می کنند را تحقیر می کنند، این نوع زندگی را مخالف تعلیمات اسلام می دانند. حتی در میان علماء اهل تسنن هم اختلافات افتادند، یکی فرهنگ میانماری را برگزیدند و دیگری فرهنگ و لباس هندی را بعنوان فرهنگ اسلامی نمایان می کنند. اما آن گروهی که با فرهنگ میانماری زندگی می کنند را دولت توجه بیشتری دارد. حکم ها را از طریق این گروه رد و بدل می کند.

اما در میان مسلمانان قدیم که فرهنگ میانماری را اختیار می کنند، اینها هم بعضی از افراط و تفریط ها را دارند. یکی از اینها عدم رعایت حجاب است. بعضی اصلاً حجاب را انکار می کنند.

البته مطالب فوق هم می توان فهمید که همزیستی مسالمت آمیز مسلمانان قدیم بخاطر احترام به فرهنگ میانماری است. اسلام هم همین را به ما امر می کنند. چون اسلام فتوحات فراوانی داشته، اما به هر کجا که اسلام وارد می شد، فرهنگ آنها را به کلی انکار نمی کرد. به فرهنگ آن محل احترام قائل است، آن فرهنگی که با تعلیمات اسلامی سازگاری نیست را ترمیم می کند یا اصلاح می کند. ما مسلمانان باید طبق تعلیمات اسلامی زندگی کرد. در هر دو طرف (آنهايي که فرهنگ میانمار را اختیار می کنند و آنهايي که فرهنگ هند را اختیار می کنند) افراط و تفریط هایی هستند. ما باید راه میانه ای را طبق تعلیمات اصیل اسلامی برگزینیم، طبق آن زندگی کنیم تا زندگی صلح و مسالمت آمیزی داشته باشیم و همچنین قانون شرع اسلام را هم در زندگی خودمان، بطور کامل رعایت کرده باشیم.

نتیجه

مسلمانان بعد از ورود آنها به سرزمین میانمار در طول مدت زندگی صلح و مسالمت آمیزی را داشتند. و آثار مهمی را جای گذاشته اند. در توسعه اسلام در سرزمین میانمار، نقش اساسی داشتند. ما هم بدون افراط و تفریط، زندگی میانه ای طبق دستور دین مبین اسلام، و طبق راهنمایی پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت او داشته باشیم. تا زندگی صلح و مسالمت آمیزی با ادیان دیگر در منطقه خود داشته باشیم و نقش آفرینی کنیم.

فهرست منابع

- Brac de la Perriere, Benedicte. "The Spirit-possession Cult in the Burmese Religion"
<https://myanmar.gov.mm/people-society>
- Desai. A Pageant of Burmese History, Calcutta: Orient Longmans, ၁၉၆၁.
- J Radhakumud Mookerji, Indian Shipping (London: Longmans, Green, ၁၉၁၂)
- Journal of his Second Embassy to the Court of Ava in ၁၈၀၂. Ed D.G.E.Hall(London: George Allen and Unwin. ၁၉၀၀).
- Parabike No.၀၀၄. Bernard Library.
- Siddiq Khan, M. "Captian George Sorrel;s Mission tu the Court of Amrapura. ၁၇၉၃-၄: An Episode in Anglo-Burmese Relations"Journat of the Asiatic Society of Pakistan(Dacca).II(၁၉၀၇). ၁၃၂-၁၄၀.
- Thuthodhita Yazawin
- မြန်မာ့မြေမှမွတ်စ်လင်မ်များ၊ ဝါးခယ်မ မောင်မင်းနိုင်၊ အစ္စလာမ့်အကယ်ဒမီသိပ္ပံစာပေဝိုင်းတော်သားများအတွက် ကန့်သတ်ထုတ်ဝေမှု။
- မောင်ဆန္ဒ(လယ်ဝေး) ကမန်မိုးနွယ်စုသမိုင်း ၂၀၀၅ခုနှစ်၊ ဒီဇင်ဘာလ(နိုင်ငံ့ဂုဏ်ရည်စာပေတိုက်)ကုန်သည်လမ်း၊ စာပေဗိမာန်၊ ရန်ကုန်မြို့။